

باسمه تعالی

مقدمه واجب..... ۱**واجب نفسی و غیره**..... ۱

تذنیب دوم: کفایت قصد غایتی از غایات برای تعبدی شدن عمل..... ۱

خلاصه بحث..... ۲

اقوال در مساله مقدمه واجب..... ۳

قول اول: وجوب مقدمه به شرط قصد اتیان ذی المقدمه..... ۳

تبعیت مقدمه از ذی المقدمه در خصوصیات..... ۳

عدم تبعیت مقدمه از ذی المقدمه در خصوصیات..... ۴

موضوع: تذنیان / واجب نفسی و غیره / مقدمه واجب**خلاصه مباحث گذشته**

بحث در مورد این بود که اگر مکلف قصد غایتی از غایات را کرد و مثلاً وضو گرفت؛ ولی نماز نخواند، آیا وضو باطل است یا نه؟ این مساله بنا بر قبول استحباب نفسی اشکالی ندارد و وضو صحیح است. اشکال در جایی است که ما امر نفسی را قبول نداشته باشیم.

مقدمه واجب**واجب نفسی و غیره****تذنیب دوم: کفایت قصد غایتی از غایات برای تعبدی شدن عمل**

بحث در این بود که اگر کسی طهارات ثلاث را به قصد غایتی از غایات امتثال کند و بعد پشیمان شد و غایت را انجام نداد، آیا وضو یا غسل یا تیمم صحیح است؟ گفتیم بنا بر استحباب نفسی اشکالی وجود ندارد؛ زیرا در این صورت طهارات ثلاث، فی حد نفسه عبادت هستند. حال یا به قصد امر استحبابی اتیان شوند و یا به هر نحو دیگری که قریبی است، اتیان شوند. وقتی که ذات عمل عبادی است و اضافه به خداوند پیدا کند، عبادی است. اشکال در صورت انکار استحباب نفسی است. مشکل این است که شخصی که ذی المقدمه را امتثال نمی‌کند و فرض این است که منشا عبادیت طهارات ثلاث امر به ذی المقدمه است و ذی المقدمه هم امتثال نشده است، مقدمه به صورت عبادی محقق نمی‌شود.

مطلبی که از کلمات مرحوم حلی به دست می‌آید (شاید مراد مرحوم نائینی نیز مطلب مرحوم حلی باشد) این است که وقتی برای شخص بدا حاصل می‌شود، عمل به لحاظ امر نفسی، مقربیت ندارد؛ زیرا شروع در امتثال نفسی نکرده است؛ اما با این حال، کسی که این اعمال را به قصد توصل اتیان کند در حالی که مکلف این قصد را دارد، عمل را اضافه به خداوند کرده است. همین که وضو و غسل و تیمم به صورت قربی صادر شد، طهارت حاصل می‌شود، هر چند که به عنوان امر ضمنی داشتن محقق نشده است.

توهم نشود که امر ضمنی خیالی بوده است؛ زیرا امر ضمنی که قصد کرده بود، خیالی نیست. نظیر مقدمه موصله نیست که اگر قصد توصل را کند و انجام ندهد، امر، خیالی بوده است؛ زیرا مقدمه موصله امر ندارد؛ بلکه کسی که به قصد امتثال امر ذی المقدمه اتیان می‌کند، امر خیالی ندارد؛ ولی امر واقعی را امتثال نکرده است و آن را رها کرده است؛ پس فعل را به قصد امتثال امر واقعی اتیان کرده است و قریباً از او صادر شده است و با حصول بدا، از قربی بودن خارج نمی‌شود و طهارا حاصل می‌شود؛ لذا می‌تواند سائر غایات را اتیان کند و اگر غایات را هم اتیان نکند، این شخص واجد طهارت است.

فقیهاً هم گفتنی نیست که اگر کسی به قصد غایتی از غایات وضو گرفت و بعد غایت را انجام نداد، وضو باطل باشد. حتی مرحوم روحانی در منتقى الاصول فرموده است: اگر استحباب نفسی را قبول داشته باشیم، باز هم وضو باطل است. این ادعا صحیح نیست.

خلاصه بحث

در عبادیت طهارات ثلاث ما مشکلی نداریم. به نظر ما مشکل نداشتن طهارات ثلاث پر واضح است؛ زیرا شارع مقدس طهارات ثلاث را در رتبه قبل از تعلق امر غیری به طهارات ثلاث، به عنوان عبادی اخذ کرده است. جای توهم ندارد که عبادیت طهارات ثلاث توسط امر غیری است تا بحث شود که چگونه امر غیری موجب عبادیت شده است؟ برای حصول قرب، مجرد اضافه کافی است. اساساً طرح این بحث در اصول مجالی ندارد؛ اما سبب مقربیت طهارات ثلاث یک بحث فقهی است. مرحوم آخوند فرمود: استحباب نفسی است و مرحوم شیخ فرمود: عنوان راجح است و مرحوم نائینی فرمود: امر ضمنی ذی المقدمه موجب قربیت است. ما گفتیم نیازی به این راه حل ها نیست. همین که مقدمه‌ی امر عبادی است، تعبدیت دارند.

اقوال در مساله مقدمه واجب

چهار قول در مساله وجوب مقدمه مطرح شده است:

قول اول: وجوب مقدمه به شرط قصد اتیان ذی المقدمه

مرحوم آخوند می‌فرماید: ظاهر کلام مرحوم صاحب معالم موجب توهم شده این قول شده است: مطلق المقدمه وجوب ندارد. وجوب مقدمه، مشروط به قصد اتیان ذی المقدمه است. وجوب مشروط است و واجب مشروط نیست. مرحوم آخوند می‌فرماید: از ظاهر کلام مرحوم صاحب معالم این قول توهم شده است. مهم نیست که مرحوم صاحب معالم این مطلب را فرموده است یا نه. صاحب معالم در بحث ضد فرموده است: مقدمه واجب مطلقا واجب نیست. اگر دلیلی نهوض بر وجوب مقدمه داشته باشد، بر وجوب مقدمه در حال اراده ذی المقدمه دلالت می‌کند. البته با این مطلب هم سازگاری دارد که قید واجب است. یعنی وجوب مطلق است و قیدی ندارد؛ ولی واجب عبارت است از افعالی که اراده مقدمه به آن انضمام پیدا کرده است. شبیه کلامی که مرحوم شیخ در واجب مشروط فرمود. خصوصا که مرحوم صاحب معالم در عبارات دیگر می‌فرماید: اگر مقدمه را اتیان کرد؛ ولی اراده امتثال ذی المقدمه را نداشت، وجوب ساقط است؛ چون غایت حاصل می‌شود. ظاهر این کلام این است که اراده کردن را قید واجب می‌داند و الا نباید تعبیر به سقوط وجوب شود؛ بلکه از اول وجوب نداشته است. مثلا حج مشروط به استطاعت است و اگر استطاعت نباشد تعبیر می‌شود که وجوب ندارد نه این که وجوب ساقط است.

تبعیت مقدمه از ذی المقدمه در خصوصیات

مرحوم آخوند می‌فرماید: ادعای صاحب معالم باطل است؛ زیرا تبعیت وجوب مقدمه از وجوب ذی المقدمه اطلاقا و اشتراطا اوضح از اصل وجوب مقدمه است. اگر گفته شد که مقدمه واجب، واجب است، تبعیت در خصوصیات قابل انکار نیست. حال اگر وجوب ذی المقدمه مطلق باشد و وجوب مقدمه هم پذیرفته شود، قانون تبعیت اقتضاء می‌کند که وجوب مقدمه هم مطلق باشد. وقتی که وجوب مقدمه از وجوب ذی المقدمه ترشح پیدا می‌کند، خصوصیات هم ترشح می‌کند. اگر وجوب نماز مطلق است معنا ندارد که وجوب مقدمه مشروط به اراده اتیان ذی المقدمه باشد. تا حدودی مرحوم آخوند ادعای صحیحی دارد.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۳.

عدم تبعیت مقدمه از ذی المقدمه در خصوصیات

همان طوری که قبلا گذشت، تبعیت، دلیل محکمی ندارد. اگر وجوب مقدمه با دلیل لفظی اثبات شود (نه از باب ملازمه عقلیه) یعنی امر به مقدمه، امری است که با اعتبار شارع درست شده است، تبعیت را می توانیم منکر بشویم؛ زیرا ممکن است شارع امر به ذی المقدمه نکرده باشد؛ ولی امر به ذی المقدمه کرده باشد، مثل اغتسال جنب، قبل طلوع الفجر، وجوب دارد ولی هنوز صوم واجب نشده است. ما حتی گفتیم اگر اراده ذی المقدمه فعلی نباشد، مولا می تواند اراده فعلی به مقدمه داشته باشد.

اگر وجوب مقدمه از راه حکم عقل (وجدان) باشد (که این راه مهم است و اعتبار شارع در همه موارد نیست) در این صورت مجال دارد کسی بگوید این گونه ترشح را قبول نداریم. ممکن است مولا اراده ذی المقدمه را نکرده باشد و شوقی به ذی المقدمه نداشته باشد؛ ولی نسبت به مقدمات آن اراده داشته باشد. این که حتما اول باید اراده به ذی المقدمه فعلی بشود و بعد اراده به مقدمه فعلی بشود، صحیح نیست. ما قبول داریم که اراده به مقدمه ناشی از اراده ذی المقدمه است؛ ولی ادعای ما این است که فعلیت اراده به مقدمه تابع فعلیت اراده به ذی المقدمه نیست. مثلا مولا می داند که فردا مهمان دارد و فردا اراده اکرام مهمان فعلی می شود؛ ولی به خاطر این که در آینده اراده فعلی می شود، الان امر به فراهم کردن مقدمات اکرام ضیف می کند.